

آینه پژوهش

سال سی و پنجم، شماره چهارم
مهر و آبان ۱۴۰۳ ISSN:1023-7992

دوماهنامه نقد کتاب، کتاب‌شناسی و
اطلاع‌رسانی در حوزه فرهنگ اسلامی

۲۰۸

۲۰۸

دوماهنامه
آینه پژوهش

مهر و آبان ۱۴۰۳
سال سی و پنجم، شماره چهارم

Ayeneh-ye- Pazhoohesh

Vol.35, No.4 Oct - Nov 2024

A bi-monthly journal exclusively
review & information dissemination

208

dedicated to book critique, book
in the field of Islamic culture

«مُقْبِلِ آنِشْتِ كِه ...» (بازخوانی و تَصْحیحِ بیتی از مُفْرَدَاتِ سَعْدِی) |
گیبون، محمد (ص) و اسلام | چاپ‌نوشت (۱۵) | پاره‌ای از یک تفسیر
ناشناخته معتزلی، احتمالاً از سده چهارم یا پنجم هجری | میهمانان تازی
گوی فرهنگستان ایران | اشعار تازه‌یاب از شاعران دوره قاجار با استناد به
نشریات آن عصر (۱) | فارسیات | رباعیات منسوب به افراد خاندان جوینی
در منابع کهن | ناهیدن (اقتراح) درباره یک واژه دشوار و ناآشنا در
شاهنامه) | یادداشت‌های حاشیه‌متون فارسی و عربی (۲) | خراسانیات
(۱) | نوشتگان (۹) | یادداشت‌های لغوی و ادبی (۱) | طومار (۷) | درنگی بر
جدیدترین ترجمه انگلیسی کتاب شریف نهج البلاغه | حدود مفروض،
حدود ممکن، حدود مقبول | آینه‌های شکسته (۵) | بررسی فهرست
کتاب‌های فارسی چاپ سربی کتابخانه کنگره آمریکا | میرلوحی سبزواری
و جعل دو کتاب انیس المؤمنین و کفایة البرایا | شرح و تصحیح کلیله و
دمنه در بوتۀ نقد | **نکته، حاشیه، یادداشت**

پیوست آینه پژوهش | کلام شاهانه / ملوک‌الکلام، کتابی چنددانشی از عصر میانی قاجار

جویناچه‌نیش | رسول جعفریان |
مجید حبیبی | مرتضی کریمی‌نیا |
سیدمحمدحسین میرفتوحی |
رفیقه قزاق‌نسا | احمد مهدوی
دامغانی | علی رحیمه |
فرد | علی رحیمه |
آینلوا | سیداحمدرضا قائم‌مقامی |
امید حسینی‌نژاد | سجده
اریا طیبی | سیدعلی کاشفی
رازی | تهران | علی رادا |
جوانساری | سیدعلی کاشفی
طوقه‌ایلی | حیدر عیوضی |
زاده | امیررضا میرزایی |
انصاری | نیلوف بهرام‌زاده |
کاظمی قرا | حبیب رازی |

پرتال
دوماهنامه
آینه پژوهش



Jap.isca.ac.ir

نوشتگان (۹)

لغات دال بر «ترجمه کردن» و «مترجم» در کتاب مقدس و اصل آن‌ها

مایکل هلنسر*

میلاد بیگدلو

| ۲۹۵ - ۳۰۴ |

چکیده: موضوع مقاله بررسی ریشه‌ها و تحول لغات مرتبط با «مترجم» و «ترجمه» در زبان‌های باستانی خاور نزدیک با تمرکز بر عبری و آرامی است. لغات دال بر مترجم در عبری و آرامی، *metürgemān* و *mēlīš*، تحلیل شده و کاربرد آنها در متون کتاب مقدس، فنیقی و پونیکی بررسی شده است. هلنسر با استناد به شواهد زبانی از کتیبه‌ها و لوح‌های گلی و لغتنامه‌ها کوشیده تا نشان دهد که لغات مرتبط با ترجمه چگونه پدید آمده و در هزاره اول پیش از میلاد چگونه وارد آرامی و زبان‌های سامی دیگر شده است.

کلیدواژه‌ها: ترجمان، ریشه‌شناسی، مطالعات ترجمه، عبری، آرامی.

۲۹۵

آبینه پژوهش | ۲۰۸

سال ۳۵ | شماره ۴

مهر و آبان ۱۴۰۳

Neveštegān (9): The Biblical Words for “To Translate” and “Translator” and Their Origins

Michael Heltzer

Translated by Milad Bigdeloo

Abstract: This article, by Heltzer, examines the origins and evolution of terms for “translator” and “translation” in ancient Near Eastern languages, focusing on Hebrew and Aramaic. It analyzes the Hebrew term *mēlīš* and Aramaic *metürgemān*, exploring their appearances in biblical, Phoenician, and Punic contexts. By tracing these terms to roots associated with interpretation and speech, the study highlights connections with Sumerian and Akkadian equivalents and early multilingualism in the region. Heltzer utilises linguistic evidence from inscriptions, clay tablets, and early dictionaries to show how translation practices emerged and how these terms were integrated into Semitic languages by the first millennium B.C.E.

Keywords: dragoman, etymology, translation studies, Hebrew, Aramaic.

* این شماره از «نوشتگان» ترجمه‌ای است از مقاله مایکل هلنسر:

Heltzer, M. (2000). The Biblical Words for “to translate” and “translator” and Their Origins. *Ugarit Forschungen*, 32, 237-242.

ترجمه مقاله هلنسر برای تکمیل مطلب «نوشتگان (۴)» است. با ارائه ترجمه یک مقاله مهم دیگر در همین زمینه در شماره یازدهم «نوشتگان»، امیدواریم بحث درباره اصل لغات دال بر ترجمه تا پیش از دوره هخامنشیان تا حد زیادی کامل شود. سپس، در مجالی، نگارنده خود به بررسی لغات و عبارات گوناگون دال بر ترجمه و ترجمان از دوره هخامنشیان تا به سده‌های نخست پس از اسلام در فارسی خواهد پرداخت.

چندزبانگی در دوره باستان خاور نزدیک و تماس میان اقوام با زبان‌ها و تمدن‌های مختلف سبب پیدایی ترجمانان از هزاره سوم پیش از میلاد شد. ترجمانان به شمار بسیار بوده‌اند. در اینجا نخست به ترجمه‌های اگدی از سومری اشاره باید کرد. در میان الواح متعددی که در مجموعه‌های لغوی با عنوان موادّی برای لغت‌نامه سومری گردآوری و ویرایش کرده‌اند به این ترجمه‌ها برمی‌خوریم. مکاتبات عمارنه را در سده چهاردهم پیش از میلاد طبعاً کاتبان مترجمان عالم نوشته‌اند. می‌توان گفت که نویسنده مکاتبات مصری-هیتی از سده سیزدهم پیش از میلاد نیز، که به اگدی هستند، کاتبان مترجمان بوده‌اند؛ چه، اگدی نه زبان مادری مصریان و نه هیتی‌ها بوده‌است.^۱

چنین شواهدی را در هزاره اول پیش از میلاد نیز می‌شود سراغ گرفت. بهترین نمونه در اینجا سخنرانی rab-šakē (ساقی ارشد) آشوری است به زبان عبری برای مدافعان بیت المقدس در سال ۷۰۱ پیش از میلاد.^۲ این موضوع ما را به مسئله مترجمان در کتاب مقدس و همچنین سنت عبری در دوران پس از کتاب مقدس می‌رساند.

در آیه ۲۳ از فصل ۴۲ سفر تکوین، که درباره حضور یوسف در مصر است، آمده که برادران یوسف نمی‌دانستند که یوسف سخن ایشان را درمی‌یابد، kī hammēlīš bēynotām «زیرا بود ترجمانی میانشان».^۳ در ترگوم (آرامی) اونکلوس در برابر لغت mēlīš در همین آیه لفظ آرامی m^etūrg^emān نهاده شده‌است.^۴ اکنون با پیش نهادن این آیه و اشاره به این دو لغت، به بررسی این دو لغت عبری و آرامی می‌پردازیم.

لغت mēlīš در عهد عتیق در این معنای خاص، یعنی «ترجمان»، فقط در آیه ۲۳ از فصل ۴۲ سفر تکوین آمده که بدان اشاره کردیم. با این حال، همین لغت در زبان فنیقی هم هست: در CIS, I 22 (برابر Kition A, 9) و CIS, I 44 (برابر Kition B, 40, 2) و CIS, I 88: 3, 5, 6 (برابر Kition F, 1). لغت مورد نظر ما را در فرهنگ کتیبه‌های سامی جنوب غربی در نقش اسم فاعل مفرد مذکر در صیغه یفعل گرفته‌اند. mēlīš جز از فنیقی، در زبان پونی نیز هست و در فرهنگ

1. E. Edel, Die ägyptisch-hethitische Korrespondenz aus Boghazköy in babylonischer und hethitischer Sprache, I-II, Abhandlungen der Rheinisch-Westfälischen Akademie der Wissenschaften, 72, Opladen, 1994.

۲. [به نسخه اصل مقاله رجوع شود].

۳. ارجاع ما به «نسخه معیار بازمینی شده»، چاپ سال ۱۹۷۱، است.

۴. در همین موضع از ترگوم آرامی جاناتان و اورشلیم نیز همین لغت به کار رفته‌است.

مذکور آمده که یکی از معانی ممکن آن «ترجمان» است. باز در همین فرهنگ، هم چنانکه در پژوهش‌های لغوی دیگر، ریشه لغت مورد نظر ما را *lyš* دانسته‌اند.

در جدیدترین فرهنگ کرامالکوف^۱ نیز لغت *mlš* در شواهدی که از کتیبه‌های کیتیون از نیمه اول سده چهارم پیش از میلاد گردآوری شده به «ترجمان» برگردانده شده است.^۲ در هر سه این ۵ جغرافیایی بر اساسی نیست. همین جا باید افزود که *mēliš* در بخش‌های دیگر کتاب مقدس با ترجمه یا ترجمانی ارتباطی ندارد.^۳

حال باید به لغت *m^etūrg^emān* پرداخت که در ترگوم اونکلوس (تکوین ۲۳: ۴۲) به کار رفته است. فقط در آیه چهارم از فصل هفتم سفر عزرا است که صورت تک‌آیند از این لغت آمده است. در این آیه اخیر گفته شده است که در روزگار 'Artahšāstā' (اردشیر اول) دشمنان جهودان (که به نام ذکر شده‌اند) پیامی نوشتند *kātūb 'arāmīt ūmiturgām* «نوشته شده به آرامی و ترجمه شده به آرامی».^۴

به هر حال پیدا است که لغت *m^etūrg^emān* در متون عبری اول بار در متنی متعلق به میانه سده پنجم پیش از میلاد آمده است. تنها توضیح این لغت از نظر اشتقاق آن این است که آن را از ستاک *rgm* بدانیم. این ستاک در متون آرامی شرقی از حترادر معنای «نفرین شدن» به کار رفته است.^۵ در زبان اوگاریتی ستاک *rgm* در همه موارد کاربرد آن در معانی

۲۹۸

آینه پژوهش | ۲۰۸
سال ۳۵ | شماره ۴
مهر و آبان ۱۴۰۳

1. Ch. R. Krahmalkov, Phoenician-Punic Dictionary, *Orientalia Lovaniensia Analecta*, 90; *Studia Phoenicia* XV, Leuven 2000, pp. 290-291, *mlš* I.

۲. لغت *mlš* که کرامالکوف به «ترجمان» (interpreter) برگردانده، در KAL 49, 19 و در Punic text EH, 163, 3 آمده است.

۳. این ترجمه دقیق نیست. مفسران لغت را به شیوه‌های مختلف معنا کرده‌اند.

۴. سنح.

G.J. Jahn, Die Bücher Esra (a und b) und Nehemia. Leiden, 1909, p. 37.

در نسخه هفنادی، *rmty* دوم نیامده و *ūmiturgām* در آن به *φορολογος* ترجمه شده و جان آن را به *Wortträger* «انتقال دهنده لغت (معرفه)» ترجمه کرده که با توجه به اشتقاق لغت، ترجمه‌ای است درست. در یونانی کلاسیک، این لغت به معنای «خراج‌گیر» (*φόρος*) است. بنابراین، لغت مورد نظر ما در نقش اسم گرفته شده است. عبارت نقل شده را، اما، به «نوشته شده (به) خط آرامی و ترجمه شده به آرامی (از فارسی یا ایلامی)» ترجمه می‌توان کرد.

۵. فرهنگ کتیبه‌های سامی جنوب غربی، ص ۱۰۶۰؛ نیز سنح.

F. Vattioni, Le iscrizioni di Hatra, Napoli, 1981; No. 281: 12:

'rgmyt mrgym

«به سنگش دهم با سنگ زدن». اما در این جا معنای فعل «نفرین کردن» است.

«تصمیم گرفتن» و «ارتباط برقرار کردن» و «اطلاع دادن» و «بازگفتن» به کار رفته و هر بار با کلام پیوند دارد.^۱ همین معنا را در ragāmu اگدی، به معنای «اطلاع دادن» و «شکایت کردن»، نیز داریم و این فعل اخیر نیز همیشه با سخن گفتن مرتبط است.^۲

اما پرسش ما اکنون این است: این لغت با این معنا چگونه و چه زمانی وارد زبان عبری شد؟ لغات دال بر معنی «مترجم» و «ترجمان» در نیمه دوم هزاره سوم پیش از میلاد در سومری به کار رفته است. لغت eme-bala، لفظاً به معنای «زبان گردان [= تغییردهنده زبان]» (همچنین napālu = KA-bala اگدی به معنای «سخنگو» و inim-bal به معنای «ترجمه کردن») در کتاب موادّی برای لغتنامه سومری به صورت [KA]-bal = tar-gu-man-nu آمده است.^۳ چنانکه ایگناس گلب^۴ نشان داده، در متون سومری عباراتی از قبیل eme-bal MAR.TU «مترجم اموری» و eme-bala Meluh-ḥa «مترجم ملوخیایی»^۵ و eme-bala Gu-ti-um «مترجم گوتی»^۶ و eme-bala^{LU} Mar-ḥa-ši^{KI}-ra gub-ba-me-eš «مترجمان وابسته به فرد مرهشی نام»^۷ هست. در متون سومری هزاره سوم پیش از میلاد هم از چندین مترجم سخن به میان آمده، اما ذکر نشده که زبان کار ایشان چه بوده است.

معادل اگدی eme-bala سومری، چنانکه تاکنون مکرر توجّه داده اند، targumannu است. و این لغت اخیر اول بار در دوره آشوری کهن و بابلی کهن استعمال شده است.^۸ متقدّم ترین نمونه کاربرد آن در لوحی از مستعمرات بازرگانان آشوری در کاپادوکیه (سده نوزدهم و هجدهم پیش از میلاد) است.^۹ در متون متقدّم حتّی از یک

۱. فرهنگ زبان اوگاریتی [Diccionario de la lengua ugarítica = DLU] (ج ۲): rgm در نقش فعل در

صص ۳۸۵-۳۸۶ و اسم، در صص ۳۸۷-۳۸۶. معنای آن همواره به کلام و کلمات مرتبط است.

۲. فرهنگ مختصر اگدی (Akkadisches Handwörterbuch = AHW)، صص ۹۴۱-۹۴۲ الف.

۳. فرهنگ مختصر اگدی، ص ۱۳۲۹ ب: ta/urgumannu(m).

MSL = Materials for the Sumerian Lexicon (B. Landsberger, M. Civil, E. Reiner) XII, Roma, 1969, p.

101, No. 171; B. Hübner, A. Reizammer, INIM KENGI, Deutsch-Sumerisches Glossar, Bd. III s. 119,

inim-bal «ترجمه کردن»،^{LU}a-bal «مترجم»، «کتاب».

4. I. Gelb, The word for Dragoman in the Ancient Near East, "Glossa" 2, 1968, pp. 93-104.

۵. گلب، همانجا، ص ۹۴. ملوخی (Meluhḥa) یک ناحیه پیشدادراویدی در دره سند بوده است.

۶. گلب، همان. گوتی ها اقوامی ساکن در کوه های شمال شرق بین التهرین بوده اند.

۷. مرهشی سرزمینی در شرق بین التهرین بوده است.

۸. سنج. targumannu و ragāmu در فرهنگ مختصر اگدی (پانویس ۱۴ و ۱۵).

۹. فرهنگ مختصر اگدی، ص ۱۳۲۹ ب که متن ها در آن نقل شده است.

GAL ta-ar-gum-ma-ni «ناظر مترجمان» نیز یاد شده است. در یکی از متون بابلی کهن از tu-ur-gu-ya-an-ni ša ERIN Ḫa-bi-in-gal-ba-ti «مترجمان سربازان/کارگران خنکلبتی»^۱ سخن گفته شده است؛ بنابراین، تردید نیست که یکی از زبان‌های ترجمه این افراد زبان هوری بوده است. در مکاتبات تل عمارنه و مکاتبات مصری-هیتی هم از چند مترجم نام برده شده، اما ذکر نشده که زبان ترجمه ایشان چه بوده است.^۲

از دوره بابلی میانه (اواخر عصر برنز) tu-ur-gu-ma-an-num^{LU} کُشه، یعنی کاسیان^۳، و از دوره آشوری میانه rabi tar-gu-ma-ne ša Šubre «راهبر مترجمان شوبریا / مترجمان در خدمت شوبریایی‌ها» می‌شناسیم.^۴ چنین می‌نماید که این افراد اخیر از زبان هوری ترجمه می‌کرده‌اند.

جز از متون آگدی، به شواهد اوگاریتی از سده چهاردهم و سیزدهم پیش از میلاد نیز اشاره باید کرد. در این متون، از مترجمی نومنونام^{LU} Nu-me-nu tar-gu-um-ya-nu^{LU} «نومنوی مترجم» یاد کرده شده است.^۵ می‌دانیم که اوگاریت شهری چندزبانه بوده، اما درست نمی‌دانیم که این نومنو از چه زبانی و به چه زبانی ترجمه می‌کرده است.

۳۰۰

آینه پژوهش | ۲۰۸
سال ۳۵ | شماره ۴
مهر و آبان ۱۴۰۳

۱. گلب، ص ۹۷.

۲. گلب، ص ۹۸.

۳. فرهنگ مختصر آگدی، ص ۱۳۲۹ - ۱۱: 47: 52. CT.

۴. فرهنگ مختصر آگدی، ص ۱۳۲۹ (VS, 19, 35:7). درباره موقعیت این سرزمین (در حوزه شمال رود فرات)، نک.

Kh. Nashef, RGTC.5. Die Orts-und Gewässernamen der mittelbabylonischen und Mittelassyrischen Zeit, Wiesbaden, 1982, pp. 232-234.

۵. قصر سلطنتی اوگاریت [Le Palais royal d'Ugarit = PRU] (ج ۵، RS 17.251:23): «در این جا به این نکته توجه می‌دهیم که در میان بایگانی ماری از سده هجدهم پیش از میلاد متنی را می‌شناسیم که موضوع آن سفر زیمیری لیم، پادشاه ماری، به مناطق مختلف از جمله به اوگاریت در شمال ۱۷۶۵ پیش از میلاد است. در این متن اشاره شده است که

29) 1/3 ma-na ana^{LU} ta-ar-ga-ma-an-nim 30) UGULA [dam-ga]r k[a]p-ta-ra-i

«یک سوم ma-na (سنجه وزن) به مترجم رهبر بازرگانان کریتی» پیشکش بخشیده‌اند.
نک.

ARMT [= Archives royales de Mari traduction], XIII, Ch. V, P. Villard No. 55b.

از اینجا معلوم می‌شود که بازرگانان کریتی به مترجمانی احتیاج داشته‌اند که به زبان محل تجارت این بازرگانان یا به آگدی ترجمه کنند. نیز سنج.

G. Dossin, La route de l'etain en Mesopotamie au temps de Zimrilim, RA. 64, 1970, pp. 97-106.

از دوران متأخر (هزارهٔ پیش از میلاد، عصر آهن)، تاکنون فقط دو متن شناسایی کرده‌ایم که دربارهٔ مترجمان باشد.^۱ در یکی از این دو متن، از ¹Gi-ki ^{LÚ}tar-gu-ma-nu ša ^{KUR}Man-nu-a «گیکی مترجم سرزمین مئا» سخن رفته است. این سرزمین در شرق دریاچهٔ ارومیه بوده است. تا به چند سال اخیر، در اطلاعات ما دربارهٔ لغت targumannu خلئی بود. پیش‌تر گفتیم که این لغت در سفر عزرا (آیهٔ چهارم از فصل هفتم) آمده است. بعدتر در آرامی (آرامی سوری و آرامی جهودان) از سدهٔ دوم پیش از میلاد و بعد از آن نیز این لغت را می‌یابیم. و نیز سپس‌تر در عبری به صورت ²trgwm و ³turgāmā در سریانی^۲ و نیز فعل ⁴trgm. مسئله این است که این لغت چگونه به زبان‌های متأخر عبری و آرامی داخل شد؟ در حل این مسئله تنها یافته‌های اخیر است که دستگیر ما است.

کریستا مولرکسلر^۳ منبعی تازه در این زمینه منتشر کرده است. این منبع لوح گلی کوچکی (در اندازهٔ ۲ در ۳٫۳ سانتی‌متر) از نوع بابلی متأخر است در میان الواح موزهٔ خاور نزدیک برلین (VAT 1627b-VAN 1321a). منشاء این لوح معلوم نیست. نکتهٔ تازه دربارهٔ لوح مذکور این است که متن آن به زبان آرامی و به حروف آرامی است؛ یعنی برخلاف متون آرامی دیگر، صرفاً افزودهٔ کوتاه (یا علامت) آرامی بر الواح میخی نیست.^۴ تنها لوح مشابه به لوح مورد نظر ما یک لوح نوبابلی از سال ۳۴ سلطنت بخت‌النصر (۵۶۱ پیش از میلاد) است که اکنون در موزه لوور نگهداری می‌شود.^۵ این لوح نوبابلی سند مالی است؛ اما لوحی که مولرکسلر منتشر کرده فقط بر اطلاعات شخصی دربارهٔ نویسنده یا مالک لوح مشتمل است.

متن این لوح را مولرکسلر این‌گونه خوانده و معنا کرده است:

1. Gelb, p 99; H.W. Johns, Assyrian Deeds and Documents, II, Cambridge, 1901, No. 865:8.

متن دوم ناقص است و جز آنکه لغت targumanu در آن به کار رفته، نکتهٔ چندانی از آن نمی‌توان به دست آورد.

2. M. Sokoloff, A Dictionary of Jewish Palestinian Aramaic, Ramat-Gan, 1992, pp. 390-391; J. Levy, Neuhebräisches und Chaldäisches Wörterbuch über die Talmudim und Midraschim, IV, Leipzig, 1889, pp. 668.

3. Chr. Müller-Kessler, Eine aramäische "Visitenkarte". Eine spätbabylonische Tontafel aus Babylon, MDOG, 130, Berlin, 1998, pp. 188-195.

۴. صص ۱۹۲-۱۹۳.

5. J. Starky, Une tablette araméenne de l'an 34 de Nabuchodonosor, "Syria" 37, 1960, pp. 99-115.



رو

1. nbw ndn 'h ۱. نبو-نادن-آچه^۱
2. p(?)šwšy br ۲. پشوشی، پسر^۲
3. bl' trgmn' ۳. بلا' ترجمان



پشت

4. [.]r'zy br' ۴. ی پسر
5. [!?!] bry ۵. پسر

۱. نامی است مشتمل بر نام خدای بابل nabū.
۲. بر اساس برداشت مولرکسلر در ص ۱۲۱.

نام این مترجم از جمله نام‌های معروف بابلی است، اما لغت pšwšy، اگر p آن درست باشد، دشواری‌هایی به پیش می‌آورد. چنانکه پیدا است، پس از این نام، نام پدر، که احتمالاً پدر نبو-نادن-آحه بوده، آمده است. بنابراین، لغت pšwšy نیز ممکن است که برابر pašišu «کاهن» باشد که در متون بابلی متأخر نیز به کار رفته است.^۱ در متون کتیبه‌ای آرامی، لغت pšš نیامده است و هنوز ترجمه درست مطلوبی از این لغت نشده است؛^۲ اما به هر حال و خلاف نظر مولرکسلر، لازم نیست که اصل آن را در ایلامی یا زبان‌های دیگر بجوییم.

نام BI' از لغت Bēl و اسم تحبیبی در آرامی است و چنین توضیحی با دشواری‌ای مواجه نیست.^۳

لغت 'trgmn «مترجم» در این جا از همه مهم‌تر است. در نظر باید داشت که این لوح گلی، با توجه به خصائص خطی، زودتر از سده پنجم پیش از میلاد نوشته نشده است. بنابراین، این متقدم‌ترین شاهد (شناخته شده تا به کنون) از این لغت در آرامی است.

در آنچه بر پشت لوح نوشته شده البته فقط بخش‌هایی را می‌توان خواند و متن آن نیازی به توضیح ندارد. متن پشت این لوح را، که در دوره هخامنشی نوشته شده، چنین می‌توان ترجمه کرد:

«نبو-نادن-آحه، کاهن، پسر بلا، مترجم.»

این متن کوچک در درک چگونگی ورود لغت دال بر «مترجم» به زبان آرامی در سده پنجم پیش از میلاد و همچنین عبری، که نخستین شاهد آن در زبان اخیر در کتاب عزرا است، اهمیت بسیار دارد. بنابراین، منشاء کاربردهای متأخر لغت مورد نظر ما، از جمله در آرامی جهودان فلسطین، trgmn آرامی نوبابلی است.

۱. فرهنگ مختصر آگدی، فعل pašāšu(m) «تدهین کردن» (صص ۸۴۳-۸۴۴ الف)؛ pašišu(m) لفظاً به معنای «تدهین شده» و -pašišu «کاهن» (صص ۸۴۵ الف).

۲. فرهنگ کتیبه‌های سامی جنوب غربی، صص ۹۴۷.

۳. سنج. این نام در

Krahmalkov, p. 1023 (Punic); F.L. Benz, Personal Names in the Phoenician and 'Punic' Inscriptions,

Roma, 1972, p. 89, Punic, CIS 132:7.

این را نیز می‌توان گفت که لغت *mēliš* که پیش از لغت مورد نظر در عبری به کار می‌رفته در متونی نیز که بعد از داستان یوسف نوشته شده به کار رفته، اما نه در معنای «مترجم».

این نکته نیز خاصه جالب است که لغت *trgmn*، یعنی صورت آرامی لغت اگدی *targumannu*، به شماری از زبان‌های شرقی، از جمله به گونه «تُرجمان» در عربی، و نیز به صورت *dragoman* به شماری از زبان‌های اروپایی (برای دلالت بر مترجم زبان‌های خاور نزدیک) راه یافته است. اما باید دانست که این لغت دست کم از زمان بابلی کهن و نقشی که این لغت بر آن دلالت دارد از سومری بر جای مانده است.